

قرآن و رویداد غدیر

دقت در مضمون آیه اکمال دین، می رساند که روز نزول آیه حادثه بسیار مهمی رخ داد، که مایه نومیدی دشمنان از پیروزی براسلام و موجب کمال دین و به پایان رسیدن نعمتهای معنوی خدا شده است اکنون باید دید چه روزی می تواند حامل چنین نویدهایی باشد...

نویسنده: آیت الله سبحانی

قرآن و رویداد غدیر

در رویداد «غدیر» گذشته بر آیه «تبلیغ» یعنی آیه: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک» دو آیه دیگر نازل شده و به حادثه رنگ ابدی و جاودانی بخشیده است این دو آیه عبارتند از:

1- آیه اکمال دین .

2- آیه سؤال عذاب.

اینک پیرامون هر دو آیه به بحث و گفتگو می پردازیم :

«الیوم یش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً» 1

«امروز کافران از (نابودی) دین شما نومید شدند از آنان مترسید و از من بترسید، امروز دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود را به پایان رسانیدم و اسلام را به (عنوان) دین، برای شما برگزیدم».

دقت در مضمون آیه اکمال دین، می رساند که روز نزول آیه حادثه بسیار مهمی رخ داد، که مایه نومیدی دشمنان از پیروزی براسلام و موجب کمال دین و به پایان رسیدن نعمتهای معنوی خدا شده است اکنون باید دید چه روزی می تواند حامل چنین نویدهایی باشد، و با این خصوصیات و نشانه ها خود را در عرصه تاریخ نشان دهد؟

1- آیا روز فتح مکه می تواند دارای چنین خصوصیتی باشد؟ به طور مسلم نه، زیرا در آن روز پیمانهای مسلمانان با مشرکان به قوت خود باقی بود و هنوز مراسم حج بسان عصر جاهلی برگزار می شد، و قسمتی از احکام اسلام پس از آن فرود آمده است از این جهت نه یأسی بر کافران منطقه مستولی شده بود و نه آئین به معنی بیان فروع و نه به معنی تحکیم پایه های آن، تکمیل گردیده بود.

2- آیا روز اعلام بیزاری از مشرکان می تواند مظهر چنین روزی باشد، به تصور اینکه یأس و نومیدی در چنین روزی بر مشرکان مستولی گردید؟ باز می گوئیم نه، زیرا بیان دین به معنی احکام در آن روز پایان نیافته بود به گواه اینکه قسمتی از «حدود» و «قصاص» و احکام مربوط به «کلاله» پس از اعلام بیزاری نازل گردیده است. بنابراین تنها مسأله یأس نشانه آن روز نیست، بلکه یأس توأم با تکمیل آئین؛ و هرگز در روز اعلام بیزاری این دو نوید، به صورت توأم، در آن روز تحقق نپذیرفته بود.

اکنون باید دید روزی که حامل این نوید گرانبها بود چه روزی بوده است؟!

گروهی نظر می دهند که این روز، همان روز «عرفه» سال دهم هجرت است که در تاریخ به نام «حجۃ الوداع» معروف است ولی با توجه به حوادث تاریخی این دو نوید گرانبها در چنین روزی تحقق نپذیرفت.

اما مسأله یأس و نومیدی به دو صورت می تواند مطرح گردد:

الف: یأس قریش و مشرکان شبه جزیره یک چنین نومیدی پیش از این روز تحقق پذیرفته بود و قریش در روز فتح مکه، و دیگر مشرکان در روز اعلام بیزاری، از پیروزی اسلام کاملاً مأیوس شده بودند در این صورت صحیح نخواهد بود که بگوئیم در روز عرفه سال دهم حجۃ الوداع یأس و نومیدی مشرکان جامه عمل پوشید در حالی که چنین کاری یک سال و اندی قبل، تحقق پذیرفته بود.

ب: یأس همه کافران روی زمین به یک چنین نومیدی تا آن روز جامه عمل نپوشیده بود.

اما مسأله تکمیل دین اگر مقصود از «دین» احکام و فروع دین باشد هرگز پرونده بیان احکام الهی در روز عرفه بسته نشد بلکه یک رشته احکام مربوط به «ربا و ارث و کلاه» پس از روز عرفه «حجۃ الوداع» نازل شده است. 2 تنها روزی که می تواند بستر این دو نوید الهی باشد، همان روز «غدیر» است که با تعیین جانشین هم یأس بر دشمنان مستولی گردید، و هم آئین خدا تکمیل شد.

البته مقصود از یأس، نومیدی مخصوصی است که با تکمیل دین توأم می باشد.

و مقصود از تکمیل دین، تکمیل ارکان و پی ریزی اسباب بقا آنست، نه بیان فروع و جزئیات، اکنون به بیان هر دو مطلب می پردازیم:

الف: تعیین جانشین و استیلاء یأس

روزی که پیامبر جانشین خود را رسماً تعیین کرد، در آن روز کافران در یأس و نومیدی از محو نابودی اسلام، فرو رفتند زیرا آنان تصور می کردند که آئین اسلام قائم به شخص پیامبر است و با رحلت رسول گرامی از میان می رود و اوضاع به حال سابق باز می گردد، وقتی مشاهده کردند که پیامبر فرد شایسته ای را (که از نظر علم و دانش عدالت و دادگری، قدرت و قاطعیت بی نظیر بود)، برای رهبری تعیین کرد و مسلمانان با او بیعت کردند، از زوال اسلام نومید گردیدند. و به کلی مأیوس شدند و دیدند که اسلام به صورت یک آئین ریشه دار در آمد، و دیگر برای آن تزلزلی نیست .

آیات قرآنی گواهی می دهد که کافران پیوسته چشم طمع به دین مسلمانان دوخته بودند و آخرین آرزوی آنان این بود که مسلمانان را از آئین خود باز دارند، و به کیش نیاکان خود برگردانند چنانکه می فرماید:

«ود کثیر من اهل الكتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفاراً» 3 «و بسیاری از اهل کتاب آرزو کردند که شماها را پس از ایمان، به سوی کفر باز گردانند».

ولی پیشرفت سریع اسلام در شبه جزیره و سقوط پایگاه شرک در مکه از امید آنان می کاست ولی آخرین پناهگاه خیالی آنان این بود که چون آورنده آئین جدید، فرزندی ندارد که پس از درگذشت او حکومت جوان اسلام را رهبری کند، از این لحاظ، اساس حکومت اسلامی پس از رحلت او فرو می ریزد و چیزی طول نمی کشد که بر آن پیروز می شوند و وضع، به همان حال نخست باز می گردد.

قرآن سخن کافران را در این باره برای ما نقل می کند چنانکه می فرماید:

«أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِعُهُ بِرَيْبِ الْمُنُونِ»⁴ «بلکه آنان می گویند که او (پیامبر) شاعری است و ما انتظار می بریم که او دچار حوادث روزگار گردد و از دنیا برود.»

این آخرین نقشه‌ای بود که کافران به آن امیدوار بودند، ولی روزی که رسول خدا، وصی خویش و رهبر مسلمانان را پس از خود تعیین نمود، آن روز، روزی بود که شبی از ترس و یأس برفراز زندگی مشرکان سایه افکند و طمع آنان از بین رفت.

ب: تکمیل دین

اگر آنروز با نصب خلیفه و تعیین جانشین، یأس بر مشرکان مستولی گردید، آئین اسلام نیز به صورت آئین کامل درآمد، و مقصود از «اکمال دین» در آیه، بیان فروع و وظائف عملی مسلمانان نیست، بلکه فراهم ساختن بقاء و پایداری آنست و یا تحکیم و تثبیت علل استقرار و بقاء، یعنی تعیین رهبر، دین تکمیل گردید و با در نظر گرفتن این معنی جمله‌های آیه با هم کاملاً مربوط و متناسب می گردد. و روز تحقق این دو حادثه معین می شود.

مدارک نزول آیه در غدیر

مفسران و محدثان اسلامی نزول آیه را در روز غدیر یادآور شده‌اند. و ما در این جا به بخشی از این مدارک اشاره می کنیم. و اگر مدارک شیعه را در این مورد، بر مدارک اهل سنت اضافه کنیم، قهراً مسأله به عالی‌ترین حد از «تواتر» می‌رسد.

علاقمندان می توانند به کتابهای یاد شده در زیر مراجعه کنند در این کتابها که همگی به قلم دانشمندان اهل سنت نوشته شده است تصریح شده که این آیه در روز «غدیر» نازل گردیده است. مانند:

- 1- الولاية تأليف طبري (متوفای 310 ه').
- 2- تفسیر ابن کثیر شامی، (774 ه' ج 2، ص 14).
- 3- تفسیر الدر المنثور سیوطی شافعی، متوفای (911 ه' ج 2، ص 259 و الاتقان، ج 1، ص 31 (طه 1360).
- 4- تاریخ ابوبکر خطیب بغدادی، متوفای (43) ج 8، ص 290.
- 5- شیخ الاسلام حموینی، در فراید السمطين باب 13.
- 6- خوارزمی، متوفای (568 ه' در مناقب ص 80 و 94).

7- تاریخ ابن کثیر، ج 5، ص 2101.

8- تذکره سبط ابن جوزی حنفی، متوفای (654) ص 18.

علامه عالیقدر مرحوم امینی در کتاب جاوید «الغدیر» ج 1، ص 230 به بعد، اقوال و روایات وارد از طریق اهل سنت را که همگی گواهی می دهند که آیه «الیوم اکملت» در روز غدیر نازل شده است به تفصیل نقل کرده است... اما روایات شیعه درباره شأن نزول آیه شریفه، در کتابهای مربوط به امامت و در تفاسیر معتبر موجود می باشد.

نکاتی چند در مورد آیه

1- گروهی از مفسران مانند فخر رازی در «مفاتیح الغیب» و آلوسی در «روح المعانی» و عبده در «المنار» نقل می کند که پیامبر پس از نزول این آیه، بیش از هشتاد و یک روز عمر نکرد.

هرگاه وفات رسول خدا (طبق نقل کلینی در کافی و نقل اهل سنت) روز دوازدهم ربیع اتفاق افتاده باشد، روز نزول آیه، روز هیجدهم ذی الحجه، روز غدیر خواهد بود. البته مشروط بر اینکه روز غدیر، و روز وفات پیامبر را حساب نکنیم، و دو ماه از سه ماه را پشت سر هم، 29 روز بگیریم.

2- بسیاری از روایات که نزول آیه را روز غدیر معرفی می کنند، یادآور می شوند که پیامبر پس از نصب علی (ع) برای خلافت چنین فرمود:

«الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضا الرب برسالتی و بالولاية لعلی (ع) من بعدی» 5 «سپاس خداوندی را بر تکمیل آئین، و اتمام نعمت، و رضایت او بر رسالت من و ولایت علی (ع) پس از من».

همان طور که ملاحظه می کنید: پیامبر، مضمون آیه مورد بحث را در کلام خود وارد کرده است و این خود می رساند که آیه یاد شده درباره روز غدیر نازل گردیده است.

3- در حالی که این دلائل قطع آور، بر استقلال آیه گواهی می دهند ولی خود آیه در لابلای احکام مربوط به گوشت‌های حلال و حرام قرار گرفته است، و نکته آن برافراد آگاه از اوضاع صدر اسلام مخفی و پنهان نیست زیرا تاریخ و حدیث صحیح گواهی می دهند که پیامبر خواست، وصیت‌نامه ای برای امت خود تنظیم کند که پس از وی گمراه نشوند وقتی شخصیت‌های متنفذ پی بردند که پیامبر می خواهد درباره خلافت مطلبی بنویسد فوراً او را به هذیان گوئی متهم کردند. 6

این حادثه و مانند آنها که تاریخ یادآور آنها است، حاکی است که افرادی در آغاز اسلام درباره مسئله خلافت و جانشینی رسول گرامی، حساسیت خاصی داشتند و برای انکار آن حد و مرزی نمی شناختند.

به خاطر چنین شرائط حاکم بر جوّ نزول آیه، و برای محافظت آیه از هر نوع تحریف و تغییر، از یک اصل عقلانی پیروی شده است، و آن پوشانیدن شیئی نفیس با یک رشته امور ساده که کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

در این جا رسول گرامی به فرمان خدا مأمور است آیه مربوط به جانشینی را در میان مطالب ساده قرار دهد تا کمتر

مورد توجه مخالفان سرسخت قرار گیرد و از این طریق این سند الهی به دست آیندگان برسد. و همگی می دانیم وضع و قرارگیری هر آیه ای در هر جایی از سوره ها به فرمان پیامبر و دستور او بوده است و اصولاً جمع آوری قرآن به همین صورت، مدرکی جز دستور پیامبر ندارد، و تاریخ جمع آوری قرآن به وسیله یاران او، فاقد ارزش تاریخی است و فقط کار یاران او نگارش قرآن به لهجه واحدی و طرد دیگر لهجه ها بوده است. و مشروح این قسمت را باید در تاریخ قرآن خواند.

آیه سؤال عذاب

سومین آیه ای که پیامون حادثه «غدیر» نازل شده، آیه «سؤال عذاب است.

توضیح اینکه وقتی پیامبر گرامی علی (ع) را به عنوان خلیفه در روز غدیر خم، به خلافت نصب نمود، این خبر در اطراف منتشر شد، «نعمان بن حارث فهری» خدمت پیامبر آمد و گفت: ما را به یکتائی خدا دعوت کردی، ما نیز گواهی دادیم، سپس دستور دادی نماز و روزه و حج و زکات انجام دهیم، انجام دادیم، به این اندازه راضی نشدی حتی این جوان را (اشاره به علی (ع) کرد) به جانشینی خود نصب کردی آیا این سخنی است از ناحیه خودت یا از جانب خدا؟

پیامبر فرمود: سوگند به خدائی که خدائی جز او نیست، از جانب خدا است در این موقع نعمان صورت خود را از پیامبر برگردانید و گفت:

«اللهم ان هذاهو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء»⁷ «خداوند! اگر این سخن حق، و از جانب تو است سنگی از آسمان بر ما فرود آرد».

وقتی سخن او به پایان رسید ناگهان سنگی از آسمان فرود آمد و او را کشت و در این باره آیه های یاد شده در زیر فرود آمد:

«سال سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع. من الله ذی المعارج»⁸

«درخواست کننده درخواست عذاب کرد و واقع شد، این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند از سوی خداوند که دارای فرشتگانی است که به آسمان سعود می کنند»⁹.

شان نزول یاد شده را مفسران و محدثان شیعه و گروهی از اهل سنت که تعداد آنها به سی نفر می رسد نقل کرده اند که می توان از خصوصیات آنها با مراجعه به کتاب «الغدیر» آگاه شد. ¹⁰

شان نزول مورد اتفاق همه:

شان نزول یاد شده مورد پذیرش علماء اسلام بوده جز اینکه «ابن تیمیه» که با خاندان رسالت رابطه خوبی ندارد، در کتاب «منهاج السنه» که به راستی باید آن را «منهاج البدعه» نامید، با طرح اشکالات هفت گانه به انکار و تکذیب آن

برخاسته است و مرحوم علامه امینی در نخستین جلد «الغدیر» به مجموع ایرادهای او پاسخ منطقی داده است و ما به صورت فشرده به نقل اجمالی این پرسش‌ها و پاسخ‌ها می‌پردازیم:

1- سرگذشت غدیر پس از مراجعت از «حجۀ الوداع» بوده است در حالی که در شأن نزول دارد که نعمان در «ابطح» خدمت پیامبر رسید، و ابطح از آن سرزمین مکه است
پاسخ:

اولاً: در روایت سیره حلبی و سبط ابن جوزی و غیره وارد شده است که نعمان در مسجد مدینه حضور پیامبر رسید و این گفتگو را انجام داد.

ثانیاً: ابطح در لغت عرب به سرزمین شنزار گفته می‌شود و هر نقطه‌ای را که سیل از آن عبور می‌کند، «ابطح» می‌گویند در این مورد مراجعه به کتابهای لغت کافی است.

2- سوره معارج مکی است و ده سال پیش از حادثه غدیر نازل شده است در این صورت چگونه می‌تواند ناظر به حادثه‌ای باشد که پس از واقعه غدیر رخ داده است.

پاسخ: میزان در توصیف سوره‌های به مکی و مدنی بودن اکثریت آیات هر سوره است چه بسیار سوره‌هایی است که مکی است ولی برخی از آیات آن در مدینه نازل شده و بالعکس و با مراجعه به قرآن‌هایی که در بلاد عربی چاپ شده و در آغاز هر سوره به مکی و مدنی بودن آن سوره اشاره شده، این مطلب روشن می‌گردد.

3- آیه «واذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء» 11 پس از جنگ بدر و پیش از حادثه غدیر نازل شده است.

پاسخ: این اشکال به راستی اشکال کودکانه است زیرا سخن پیرامون نزول این آیه نیست، (ناگفته نماند که این آیه پس از جنگ بدر نازل شده است)، بلکه سخن درباره آیه «سأل سائل بعذاب واقع» است و نزول آیه نخست پس از حادثه ارتباطی به نزول دومی در آن مقطع ندارد.

4- وجود پیامبر به حکم آیه «و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» 12 امان از عذاب است با وجود پیامبر، عذاب نازل نمی‌شود.

پاسخ: سیاق آیه حاکی است که مقصود عذابی است که گروهی را نابود سازد، بسان عذابهایی که قرآن در تاریخ پیامبران یادآور می‌شود، نه عذاب یک فرد آن هم به درخواست خود و گرنه تاریخ گواهی می‌دهد که افرادی با نفرین پیامبر هلاک شده‌اند مانند «اسود بن مطلب» و «و مالک بن طلاله» و غیره.

5- اگر چنین حادثه‌ای رخ داده باشد باید بسان سرگذشت «اصحاب فیل» معروف گردد.

پاسخ: حادثه‌ای که مربوط به یک فرد تعلق دارد با آنچه که مربوط به یک جمعیت انبوه است فرق روشنی دارد، گذشته بر این برای نقل سرگذشت دومی فراوانی وجود داشت در حالی که درباره فضائل امام دواعی

بر اخفای آن بود با این وضع اگر سی دانشمند میرز آنرا نقل کرده اند باید آنرا مربوط به عنایت الهی دانست که از این طریق به حفظ حجت خود پرداخته است .

6- نعمان طبق شأن نزول، اصول پنجگانه را پذیرفته بود، در این صورت چگونه بر او عذاب فرود آمد؟

پاسخ: شأن نزول حاکی است که او نه تنها در برابر پیامبر تسلیم نبود، بلکه تسلیم خود را در برابر خدا نیز از دست داده بود زیرا گفت: اگر نصب علی برخلاف از جانب خدا است عذابی بر او فرود آید، چه ارتدادی بالاتر از این .

7- در کتابهای مربوط به ضبط اسامی صحابه، نامی از نعمان بن حارث نیست .

پاسخ: تعداد یاران پیامبر بیش از آن است که در کتابها و تراجم آمده است و کسانی که به تاریخ صحابه پرداخته اند هر کدام به اندازه اطلاعات خود، توانسته است اسامی گروهی را ضبط کند و مراجعه به مقدمه کتابهای «الاستیعاب» و «اسدالغابه»، «والاصایه» و استدرک هائی که بر این کتابها نوشته شده است روشنگر این مطلب است. 13

پی نوشت ها:

1- سوره مائده، آیات 67 و 3 و سوره معارج، آیه های 1 - 3 بعداً پیرامون آیه های دوم و سوم بحث خواهیم کرد.

2- الدرالمنثور، ج 1، ص 365 و ج 2، ص 251.

3- سوره بقره، آیه 109.

4- سوره طور، آیه 30.

5- به کتاب شریف «الغدیر» ج 1، صفحات 112 مراجعه فرمائید.

6- این مطلب در کتابهای تاریخ و حدیث آمده است و بخاری، آن را در نقاط مختلفی از صحیح خود نقل کرده از آن جمله، ج 1، کتاب «العلم» ص 22، و مسلم در صحیح خود ج 2، ص 14 کتاب «وصایا» نیز آورده است .

7- سوره انفال، آیه 32.

8- سوره معارج، آیه های 1 - 3.

9- مجمع البیان، ج 5، ص 352.

10- الغدیر، ج 1، ص 439 - 246.

11- سوره انفال، آیه 32

12- سوره انفال، آیه 33 خداوند هرگز آنها را عذاب نمی کند تا تو در میان آنان هستی، و همچنین خداوند آنان را عذاب نمی کند در حالی که استغفار کنند.

13- الغدیر، ج 1، ص 248 - 266.